

معرفی های اجمالی

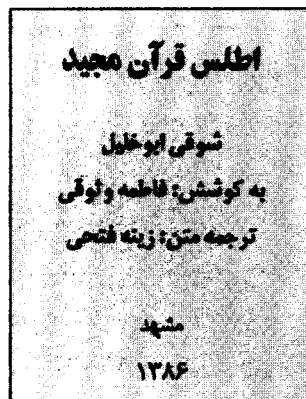
فیل، سیل العرم، اصحاب کهف، اصحاب الرس، یاجوج و ماجوج... نیز در ادامه مورد بحث واقع شده، در بخش سوم کتاب، مباحث مربوط به دوران زندگانی پیامبر اکرم (ص) به همراه نقشه ها ارائه گشته است.

دکتر شوقی ابوخلیل، انگیزه اصلی نوشتن اطلس فوق را چنین آورده است: «انگیزه اصلی نوشتن این اطلس در سال ۱۹۹۰ میلادی به ذهنم خطور کرد؛ هنگامی که به تصاویری از شبه جزیره عربستان می نگریستم و جایی را بر روی نقشه در شرق شهر «نریم» در «حضر موت» دیدم که قبر حضرت هود پیامبر را نشان می داد. در آن موقع این سؤال را از خود کردم: وقتی شخص مسلمان قرآن می خواند و به داستان زندگی حضرت هود (ع) می رسد، آیا از خود نمی پرسد آن حضرت در کجا زندگی می کرده است؟ و آیا می داند سرزمین احقاف کجا واقع شده است؟»

این فکر هنگام دیدار از معبد آتش در نزدیکی شهر باکو در «اتشکایه» پرورش یافت... این فکر همچنان در ذهنم پرورش یافت تا اینکه کامل شد و راه و هدفش کاملاً مشخص گردید؛ بنابراین نگارش این کتاب را به یاری خداوند و توکل بر او آغاز کردم».

مؤلف در بخشی از مقدمه مدعی است: این کتاب داستان پیامبران (علیهم السلام) یا رویدادهایی که قرآن کریم آنها را روایت کرده است نیست؛ همان گونه که تفسیر قرآن هم نیست. کتاب های پیامبران و داستان های قرآن و تفاسیر زیادی وجود

اطلس قرآن مجید؛ شوقی ابوخلیل؛ به کوشش فاطمه وثوقی، ترجمه متن زینه فتیحی؛ مشهد: پاپلی، ۱۳۸۶، ۲۳۰ صفحه.



این اثر دارای مقدمه ناشر، پیشگفتار و مقدمه نویسنده است؛ نویسنده سپس ۶۷ عنوان را مورد بررسی قرار داده، نقشه های مربوط بدان را ترسیم کرده است. در پایان نیز ملحقات، منابع و مآخذ، فهرست جای نام ها و فهرست اشخاص آمده است. کلیه صفحات کاغذ گلاسه و کلیه نقشه ها به صورت رنگی چاپ شده اند. ترسیم نقشه ها به صورت بسیار ساده ارائه شده، به نحوی که به ارائه راهنمای نقشه نیازی نیست.

از تعداد ۶۷ عنوان مورد بحث در کتاب، ۲۳ عنوان آن مربوط به پیامبران الهی از حضرت آدم (ع) تا حضرت عیسی (ع) است که مورد بررسی قرار گرفته و مکان های جغرافیایی زندگانی آنان در نقشه ها ترسیم شده است. ۲۲ عنوان از مباحث مورد بحث قرآن کریم همچون: اصحاب اخدود، اصحاب

منابع مورد استناد ارائه شده است؛ البته با وجود آنکه اثر فوق ترجمه است، ولی منابع به صورت اولیه (عربی) ارائه شده است و این جای سؤال دارد!

در صفحه ۷ سطر ۷-۸ آمده است: در ترجمه اثر نسبت به نسخه عربی آن تغییراتی داده شده، برخی نقشه‌ها و تصاویر نیز در نسخه عربی نیست، ولی در نسخه فارسی اضافه یا کامل‌تر شده است.

اولاً گفته‌ها و تصاویر و یا جداول اضافه شده در متن، مشخص نگردیده است؛ ثانیاً مطالبی همچون افزودن مطالب یا نقشه‌ها یا تصاویر، ضمن آنکه ممکن است بر غنای مطالب بیفزاید، از سویی امانت در ترجمه را دچار تردید می‌نماید؛ چه اینکه ممکن است برخی موارد اضافه شده مدنظر مؤلف نبوده است!

صفحه ۸ در مقدمه مؤلف، درود و سلام بر پیامبر خدا و آل او آمده است، ولی در سرتاسر ترجمه کتاب به بیان «صلی اللہ علیہ و سلم» در مقابل نام پیامبر اکرم (ص) اقدام شده است. این اثر در کشوری به فارسی ترجمه شده است که بزرگ‌ترین پایگاه و مرکز شیعه در جهان است و دلیلی بر ذکر صلوات بر پیامبر بدون ذکر «آل» ایشان وجود ندارد، و «صلی اللہ علیہ و سلم» مربوط به برادران اهل سنت است نه شیعه!

صفحه ۱۰ در نقشه جنوب سرزمین بین‌النهرین (سال ۳۲۰۰ ق. م) عنوان بین‌النهرین به غلط داخل عنوان نقشه «بین‌النهرین» درج شده است.

در صفحه‌های ۵۵ و ۸۵ به جای دریای مدیترانه، نام این دریا، دریای متوسط درج شده است که در نقشه‌های تاریخی یافت نشد!

صفحه ۹۳ دریاچه شمال شهر قلزم «بحر المیت» نامیده شده است. این دریاچه جدای از دریاچه بحرالمیت یا دریاچه لوط موجود در مرز کشورهای سوریه و اردن است. نام دریاچه شمال شهر قلزم در نقشه صفحه ۸۶ «دریاچه‌های مره» ذکر شده است؛ ضمن آنکه نوعی دوگانگی است. در نقشه‌های تاریخی دیگر، نام بحرالمیت برای این دریاچه دیده نشده است!

صفحه ۱۰۰ نام بندر سودان یا پورت سودان در نقشه «بوسودان» آمده است که غلط است!

گفتنی است برخی از نام‌ها در برخی از نقشه‌ها با توجه به موقعیت زمانی نقشه‌های ارائه شده وجود نداشته‌اند، ولی در

دارد، اما اطلس قرآن مجید که در آن تصاویر رنگی و شرح آنها آمده باشد، منحصر به فرد است. در کنار هر نقشه تعداد دفعات ذکر آن منطقه یا نام آن در قرآن کریم به همراه آیات مربوطه ذکر شده است.

قبل از پرداختن به اطلس فوق، سخن را از «جمله پست جلد کتاب» آغاز می‌کنیم. پست اطلس قرآن مجید آمده است: تهیه نقشه از مکان‌های جغرافیایی ذکر شده در قرآن مجید، موضوعی جدید و بی‌سابقه است. در این خصوص ذکر این نکته ضروری است که قبل از انتشار اثر فوق، اطلس تاریخ اسلام اثر گرانسنگ حسین مونس منشره در قاهره (۱۴۰۷ ق) که در سال ۱۳۷۵ توسط دکتر آذرتاش آذرنوش ترجمه شده و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح در ۱۳۷۵ آن را منتشر کرد و عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را نیز دریافت نمود؛ همچنین جغرافیای نزول قرآن اثر محبوبه خسروی که در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات سلوک جوان انتشار یافته (این اثر در مجله آینده پژوهش، ش ۱۰۴، ص ۷۵-۷۶ معرفی گردیده است) و نیز اطلس تاریخ اسلام اثر دکتر صادق آینه‌وند از انتشارات مدرسه در سال ۱۳۷۸ و کتاب اماکن جغرافیایی در قرآن اثر زهرا رضایی که در سال ۱۳۷۹ توسط نشر پارسایان انتشار یافته است (البته بدون ارائه نقشه)، همگی دلالت بر پژوهش‌های انجام شده در مکان‌های جغرافیایی قرآن مجید و تاریخ اسلام است و آثار فوق قبل از اطلس قرآن مجید به جامعه علمی و اسلامی ارائه شده است؛ لذا امر بی‌سابقه‌ای نبوده و نیست!

اما نکاتی از متن کتاب در شناسنامه اثر که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه گردیده، موضوع کتاب را «وقایع تاریخ قرن اول ه. ق» عنوان کرده است؛ در صورتی که مباحث زندگانی حداقل ۲۳ پیامبر الهی از حضرت آدم (ع) تا عیسی و بسیاری دیگر از مباحث مورد بحث، همچون سیل‌العرم، اصحاب فیل، اصحاب کهف و ... مربوط به تاریخ قبل از اسلام بود؛ از سوی دیگر چهار نقشه پایانی کتاب، مربوط به مسیر حجج شام، مصر، یمن و عراق، مربوط به زمان حکومت عباسیان و بعد از آن است؛ لذا مربوط به قرن اول هجری نمی‌باشد و عدم دقت مسئولان صادرکننده مجوز انتشار در عنوان فوق، چنین موضوعی را باعث شده است.

مطالب کتاب بر اساس دوره‌های تاریخی عنوان شده و از ویژگی‌های مثبت علمی اثر آن است که در پایان هر مبحث،

در نقشه صفحه ۱۴۰، نقشه موقعیت مکه مکرمه، داخل نقشه و مأخذ نقشه، کتاب تکوین معماری و تمدن شهرهای حج اثر شیخ محمد سعید فارس درج شده است؛ در صورتی که در منابع پایانی کتاب چنین اثری وجود ندارد. در نقشه صفحه ۱۵۰ مسیر معراج پیامبر (ص) از مدینه شروع شده و به قدس ختم گشته است که صحیح آن از مسجدالحرام در مکه مکرمه است که به قدس (مسجد الاقصی) ختم می شود.

- نقشه های صفحات ۶۷، ۱۴۰، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۸۵،

۲۰۱ و ۲۱۱ فاقد مقیاس می باشند!

با توجه به تعداد نسبتاً زیاد نقشه ها (۷۶ نقشه) ارائه فهرست مستقل نقشه ها در اطلس فوق لازم بود و سرعت بهره برداری از آن را سریع تر و راحت تر می نمود.

صفحه ۱۷۲ در متن و در صفحه ۱۶۲ در جدول ارائه شده، تاریخ غزوه حمراء الاسد (مقابله با ابوسفیان که می خواست به مدینه حمله کند) شانزده شوال سال سوم هجری ذکر شده است؛ در صورتی که در نقشه صفحه ۱۷۳ تاریخ شانزده شوال سال دوم هجری ذکر شده است؛ همچنین در صفحه ۱۹۶ تاریخ غزوه موته جمادی الاول سال هشتم هجری ذکر شده است؛ در صورتی که در صفحه ۱۶۳ در جدول غزوات پیامبر (ص) تاریخ غزوه موته جمادی الاول سال هفتم هجری آمده و داخل متن، صفحه ۱۹۶ سال هفتم هجری قید شده است. صفحه ۱۹۹ تاریخ فتح مکه دهم رمضان سال هشت هجری و در صفحه تاریخ فتح مکه بیستم رمضان سال هشت هجری و در صفحه ۲۰۲ تاریخ فتح مکه بیستم رمضان سال هشت هجری آمده است که اعداد متفاوت است!

در صفحه ۲۲۷ مختصات جغرافیایی مدار رأس السرطان و رأس الجدی، ۲۳/۵ درجه عرض شمالی و جنوبی درج شده است؛ در صورتی که مختصات جغرافیایی مدار رأس السرطان ۲۳/۲۷ شمالی و مدار رأس الجدی ۲۳/۲۷ جنوبی می باشد.

در پایان امید است با بهره گیری از کتب مسالک الممالک ها تکمیل چنین اطلس هایی بتواند ابهامات موجود در مکانهای جغرافیایی مذکور در قرآن و تاریخ اسلام را رفع نماید. ان شاء الله.

حمیدرضا میرمحمدی

نقشه ها ذکر شده اند؛ همانند شهرهای بغداد، کوفه و کربلا که شهرهای نوین یاد و مربوط به دوره اسلامی هستند، ولی در نقشه های تاریخی قبل از اسلام عنوان شده اند و یا دریاچه اسد در مسیر رودخانه فرات در کشور سوریه که از زمان تأسیس سد فرات، این دریاچه به نام رئیس جمهور فقیه سوریه «حافظ اسد»، اسد نامگذاری شد؛ ولی در نقشه های تاریخی قبل از اسلام نام این دریاچه که اصلاً وجود نداشته، ذکر شده است. مؤلف در مقدمه اثر، علت ذکر این نام های جدید را برای مقایسه ذکر کرده است که در این صورت نیز می بایست این نام ها با اشکال و علائم خاص مشخص می شد تا بهره برداران از آن دچار مشکل نشوند.

صفحه ۱۰۲ در نقشه، موقعیت اصحاب رس، جزیره ای واقع در حد فاصل جنوب دریای عرب و شمال اقیانوس هند به نام «جزیره سواقطر» درج شده است. در نقشه صفحه ۱۰۴ «سقطره» و در صفحات ۱۲۱ و ۲۱۳ نام جزیره «سوقطره» درج شده که نوعی دوگانگی است.

- در کلیه صفحات، به علت نوع حروفچینی فارسی کلیه حروف «ة» در عربی به «ه» تبدیل شده است؛ کلماتی همچون دایرة المعارف = دایرة المعارف، صفوة = صفوه و
- ترتیب قرار گرفتن نقشه ها در اطلس فوق، یکسان نیست؛ به نحوی که برخی از نقشه ها در جهت شمال جغرافیایی با سایر نقشه ها یکسان نیستند؛ همچون نقشه صفحه ۱۲۹ اطلس.

صفحه ۱۳۴ در نقشه جزیره عربستان، فارس و روم، نام دریای مدیترانه اشتباهاً «دریای میترانه» آمده است.

صفحه ۱۰۶ نام اقیانوس شمال قاره اروپا، اقیانوس اطلس ذکر شده و شمال آفریقا، اقیانوس منجمد شمالی؛ در صورتی که اقیانوس واقع در شمال قاره اروپا نیز همان اقیانوس منجمد شمالی است؛ همچنین در نقشه فوق نام قسطنطنیه - نام قدیم شهر استانبول - به صورت «قسطنتنیه» آمده است. در فرهنگ فارسی دکتر معین (ج ۶، ص ۱۴۶۵) و نیز فرهنگ فارسی اعلام (غلامحسین صدری افشار و دیگران، ص ۵۳۴) نام این شهر به صورت «قسطنطنیه» درج شده است؛ همچنین در نقشه فوق، نام دریای عمان، خلیج عمان درج شده است. نیز نام دریای عرب حدفاصل جنوب خلیج عمان و شمال اقیانوس هند درج شده که صحیح نمی باشد؛ چه اینکه دریای عرب، مجاور کشور یمن است.



مشاهیر مدفون در حرم رضوی: رجال سیاسی، اجتماعی و نظامی؛ گروه تراجم و انساب، زیر نظر غلامرضا جلالی؛ جلد چهارم. چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.

مشاهیر مدفون در حرم رضوی:
رجال سیاسی، اجتماعی و نظامی

گروه تراجم و انساب
زیر نظر: غلامرضا جلالی
جلد چهارم

مشهد
۱۳۸۷

اول، در این است که این اثر فاقد فهرست کتب، اشخاص و مکان‌هاست و از سویی دیگر بر خلاف رویه جلد اول، منابع و مستندات در تألیف تراجم در پایان آن ذکر نشده است و به زیرنویس مطالب اکتفا شده است.

صفحه ۶۵ زیرنویس شماره سه چنین است: «ابراهیم دهگان، تعلیقات عباسنامه، ص ۳۳۵»؛ در صورتی که در صفحه ۵۱۷ منبع شماره ۱۹۹ اصل منبع چنین آمده است: «عباسنامه یا شرح حال زندگانی ۲۲ سال شاه عباس ثانی، محمدطاهر وحید قزوینی، تصحیح ابراهیم دهگان، چاپ اول، اراک، کتابفروشی داوودی، ۱۳۲۹» و در منابع پایانی، از تعلیقات عباسنامه اثری نیست!

صفحه ۸۹ زیرنویس شماره دو چنین است: «دایرة المعارف مصاحب، صفحه ۲۷» و نیز زیرنویس شماره ۵ تکرار شده است؛ در صورتی که دایرة المعارف مرحوم غلامحسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی نام دارد و سه جلد است و ثانیاً، جلد مورد نظر منظور نگردیده است. این مشکل در صفحات ۹۰ - ۹۱، ۹۳ و سایر صفحات نیز تکرار شده است.

صفحه ۱۱۳ زیرنویس شماره دو «دایرة المعارف تشیع، صفحات ۲۰۰ - ۲۰۱» می‌باشد. جلد مورد نظر فراموش شده است؛ ضمن آنکه در متن نیز بدان اشاره نشده است.

صفحه ۲۱۶ زیرنویس شماره پنج، «دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صفحه ۵۴۴» است. جلد مورد نظر ذکر نشده که صحیح آن جلد دو می‌باشد.

صفحه ۲۴۰ زیرنویس شماره چهار چنین است: «راجر سیوری، تاریخ ایران دوره صفویان، صفحه ۵۲»؛ در صورتی که تاریخ ایران دوره صفوی اثر پژوهشی دانشگاه کمبریج می‌باشد و در صفحه ۵۰۶ منبع شماره ۴۳ نیز ذکر شده است و اثر راجر سیوری، ایران عصر صفوی می‌باشد که در صفحه ۵۰۴ منبع شماره ۲۴ نیز صحیح آن ذکر شده است.

در فهرست منابع نیز چند نکته قابل ذکر است: صفحه ۵۰۳ منبع شماره هفت، کتاب اثر آفرینان از انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی است که با توجه به مجموعه و چندجلدی بودن این اثر، جلد مورد استناد عنوان نشده است!

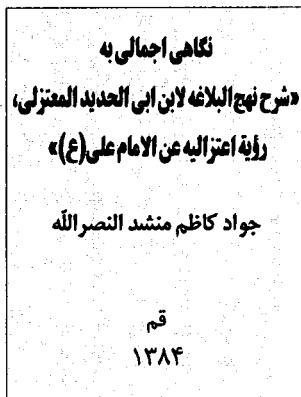
صفحه ۵۱۲ منبع شماره ۱۳۱ «دایرة المعارف بزرگ

اثر فوق در ۵۲۳ صفحه به معرفی ۱۷۳ نفر از رجال سیاسی، اجتماعی و نظامی مدفون در حرم رضوی پرداخته است. در تألیف این اثر از ۲۶۷ کتاب، ده مقاله، دوازده سند و مصاحبه بهره برده شده است. شرح حال‌های ارائه شده همچون مجلدات قبلی بر اساس الفبا و به صورت دایرة المعارفی تنظیم شده است. از مجموع ۱۷۳ شرح حال ارائه شده ۲۲ مورد مربوط به خاندان قاجار، هجده مورد مربوط به خاندان صفوی و سپس بیشترین تعداد مربوط به خاندان افشار، علم و زعفرانلو می‌باشد.

قدیمی‌ترین تاریخ شرح حال‌های رجال سیاسی و نظامی در حرم رضوی مربوط به «گروه بازو باندی فرزند شاه‌غازی رستم (فرمانروای سلطان سنجر سلجوقی در طبرستان) است که در سال ۵۵۲ هـ. ق در سرخس در گرمابه به قتل رسید و جنازه وی به مشهد منتقل [شده] و در حرم رضوی دفن [گشت] و چند دیه بر آن مقام وقف گردیده است؛ و جدیدترین آنها مربوط به مرداد ماه ۱۳۶۸ مربوط به حسن خان زعفرانلو می‌باشد و برخی از شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی که در حرم رضوی مدفونند. در خصوص برخی از شرح حال‌ها ذکر این نکته ضروری است که هیچ‌گونه اشاره‌ای به دفن صاحبان تراجم در حرم رضوی نشده و صرفاً آمده است که در شهر مشهد دارفانی را وداع گفته است که البته این امر دلالت بر دفن در حرم رضوی نمی‌باشد!

تفاوت دیگر اثر فوق با سایر مجلدات قبلی، به ویژه جلد

نگاهی اجمالی به «شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید المعتزلی، رؤیة اعتزالیة عن الامام علی(ع)»؛ جواد کاظم منشد النصرالله قم: ذوی القربی، ۱۳۸۴.



این کتاب، پایان نامه جواد کاظم منشد النصرالله است که با اشراف و راهنمایی دکتر خلیل هاشم عباس الزوینی در دانشگاه بصره، دانشکده ادبیات برای دریافت درجه دکتری گرایش «فلسفه ای در تاریخ اسلامی» ارائه شده است و در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات ذوی القربی در قم منتشر گشته است. این کتاب با مقدمه ای که پس از تقدیر آمده، آغاز شده است و ذیل مدخلی به بیان «تفضیل» از منظر معتزله روی آورده، سپس طی پنج فصل و یک خاتمه به سراغ قصیده ای از ابن ابی الحدید رفته است و در پایان با ذکر مصادر کتاب و فهرست تفصیلی، پایان پذیرفته است. این کتاب که در خصوص شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید تدوین شده، از این ارزش اولیه برخوردار است که به مقوله ای درخور توجه روی نموده است؛ چون شرح ابن ابی الحدید از کتاب های کهن و ارزشمند در ادبیات و تاریخ اسلامی به شمار می آید؛ چنان که مصحح آن آورده است: «ابن ابی الحدید یکی از دانشمندان برجسته و از استوانه های مورخان است که در عصر دوم عباسی - شکوفاترین قرون اسلامی از نظر بهره ها و تألیفات - درخشید؛ دوره ای که شاعران، نویسندگان، ادیبان، مورخان، لغویان و صاحبان معاجم و فرهنگ نامه ها را در خود جای داده است.» وی فقیهی اصولی است که در این حوزه تصنیف های معروف و مشهوری دارد و نیز متکلمی جدلی و مناظره کننده است که بر پایه اعتزال پیش رفته است و بر همان اساس، مجادله، مناظره، محاجه و مناقشه کرده و در شرح نهج البلاغه و بسیاری از کتاب های خود، آرای خویش را آورده است (شرح نهج البلاغه؛ ج ۱، مقدمه مصحح، ص

اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴» ذکر شده است. گفتنی است تا کنون شانزده جلد از این اثر منتشر شده است که هیچ کدام ذکر نشده و در صفحات مورد استناد زیر نویس ها نیز، صرفاً جلد دوم دایرة المعارف مورد استناد بوده است که چاپ دوم این اثر نیز سال ۱۳۷۰ می باشد؛ لذا منبع فوق در سال ۱۳۷۴ منتشر نشده است!

همچنین منبع شماره ۱۳۲ «دایرة المعارف تشیع، چاپ سوم، انتشارات سعید محبی، ۱۳۷۵» ذکر شده است. با توجه به اینکه تا کنون سیزده جلد از این اثر منتشر شده است، جلد مورد نظر ذکر نشده است.

و نیز منبع شماره ۱۳۳ «دایرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۷۴» می باشد که این منبع نیز در سه جلد تنظیم شده است، ولی جلد مورد نظر در منابع نیامده است.

صفحه ۵۱۲ منبع شماره ۱۳۵ «دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، چاپ اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴» می باشد که این منبع قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در یازده جزوه تهیه، تنظیم و ارائه شده بود که شامل حروف آ، الف و ابتدای حروف ب بود، ولی در منبع شماره ۱۳۵ شماره جزوه یا جلد یا حرف نیامده است.

منبع شماره ۱۰ کتاب نیز «از آستارا تا استرآباد» اثر منوچهر ستوده، از انتشارات انجمن آثار ملی، در سال ۱۳۳۵ می باشد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور منتشر شده و در ده جلد به جامعه علمی عرضه گشت؛ ولی در منابع پایانی، به جلد مورد نظر اشاره نشده است.

در پایان گفتنی است جلد اول، دوم و سوم مشاهیر مدفون در حرم رضوی در شماره ۱۱۰ - ۱۱۱ مجله آینه پژوهش (خرداد و شهریور ۱۳۸۷) صفحات ۹۱ - ۹۳ معرفی شده است.

حمیدرضا میرمحمدی

۱۳-۱۴). و به ادعای خود ابن ابی الحدید، کتابی در فن خود کامل و در نوع خود بی نظیر پدید آورده است (همان، ج ۱، مقدمه مؤلف، ص ۵) این کتاب به دلیل دسترسی نویسنده به کتابخانه‌های عظیم آن دوره، اطلاعاتی در خود جای داده است که با از بین رفتن آن منابع پس از حملات مغول، جایگزین آنها شده است؛ از این رو اعتبار منبعی اش در خور توجه است (واسعی؛ جانشینان پیامبر در پرتو شرح نهج البلاغه؛ ص ۳۴)؛ ضمن اینکه عنایت ویژه نویسندگان شیعه به آن، مقتضی پرداختن بیش از پیش به آن است.

کاظم منشد النصرالله، در فصل اول به اصالت و پایه‌های نسبی امام (ع) می‌پردازد و در آن به تفصیل از اجداد آن حضرت و ایمان ابی طالب سخن می‌راند و ادله بسیاری برای آن ذکر می‌کند و به طور طبیعی از موقعیت خاندانی آن حضرت و برتری آنها بر دیگر تیره‌ها غافل نمی‌ماند. وی بر آن است که ابن ابی الحدید در این تصویرگری، متأثر از اندیشه جاحظ است که معتقد است بنی‌هاشم نمک زمینند؛ چنان‌که نقشی که در حجاز آفریدند، گواه آن است.

فصل دوم کتاب به ولادت امام در کعبه شریف و تربیت و رشدش در خانه پیامبر (ص) و به تعبیر نویسنده «بیت الرساله» می‌پردازد و به خوبی نشان می‌دهد آن حضرت چگونه به دور از هرگونه آرایش جاهلی، تحت نظر مستقیم رسول خدا پرورش یافته و اول کسی است که بدو ایمان می‌آورد و به عنوان وزیر او برگزیده می‌شود و پس از هجرت نیز با همسری دختر پیامبر - که به امری آسمانی بود - به بالاترین درجات مسلمانی دست می‌یابد و در نهایت، مایه فخر اسلام و مسلمانان می‌گردد.

به دنبال آن به ویژگی‌های امام از حیث اخلاق و سجایای فردی‌ای می‌پردازد که موجب برتری آن حضرت بر تمامی همگنانش می‌شود و با این مباحث، فصل سوم کتاب را شکل می‌دهد و مهم‌ترین نکته در این مقام، توجه به وجود ویژگی‌های متناقض در آن حضرت است که شگفتی سیدرضی و ابن ابی الحدید را برمی‌انگیزد؛ چنان‌که فصل چهارم به نظام حکومتی امام اختصاص یافته است؛ با این رویکرد معتزلی که امام برتری خویش را به افضلیت می‌دانست نه به نص، به همین جهت با مردم در بیعت با خلفای پیشین همراهی می‌کند. این فصل خود به دو مبحث تقسیم شده است: قبل از خلافت آن

حضرت که در دوره خلفای سه‌گانه گذشت و به زغم ابن ابی الحدید، امام در تعامل با جریان سیاست و حاکمیت، زمان خود را سپری کرده است، و زمان خلافت خود آن حضرت و فراز و فرودهای آن دوره که خود، فصل مشبعی است و نویسنده در آن از سه جنگ جمل، صفین و نهروان یاد کرده و رویکرد ابن ابی الحدید را در چگونگی تصویر آنها و پاسخ‌های وی به شبهات مرتبط با تعامل سیاسی امام می‌نمایاند و نشان می‌دهد که وی چگونه و بر چه اساسی به مقبولیت توبه سران جمل و اهل بهشت قلمداد کردن آنان، به رغم دشمنی شان با امام، روی می‌کند.

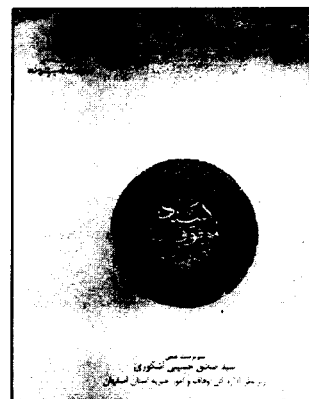
فصل پنجم کتاب با عنوان «الامام علی (ع) مصدر للفکر العربی الاسلامی» آمده است که به دیدگاه معتزلیان در خصوص نقش محوری امام در اندیشه عربی اختصاص یافته است. این فصل خود دارای ده مبحث است و هر مبحثی، جز مبحث اول که به شخصیت ویژه امام پرداخته است، به تأثیر امام در هریک از شاخه‌های علمی اختصاص یافته است؛ مثل امام علی و علم الهی، امام علی و جریان تصوف، امام علی و علم فقه و ...؛ مثلاً در باب اخیر بر آن است که آن حضرت، مرجع و مصدر فقهی همه خلفا، صحابه و مذاهب چهارگانه فقه بوده است.

در فهرست منابع که پس از این فصول آمده است، نویسنده مآخذ مورد مراجعه خود را به مصادر اولیه، مراجع ثانویه، پایان‌نامه‌ها، مجلات و محاضرات، تقسیم کرده است تا اتقان یافته‌ها و تحلیل‌های خویش را به مخاطب القا کند. کتاب به این صورت در ۶۲۱ صفحه پایان می‌یابد.

ویژگی عمده کتاب، همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، نوع نگاه نویسنده به کتاب ارزشمند شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است؛ به این معنا که وی با تأکید بر باور اعتزالی ابن ابی الحدید و با بیان ویژگی‌های نگرشی این مکتب فکری در تاریخ اسلام، به تحلیل داده‌های او پرداخته و نشان داده است این نگرش چه میزان در داوری و نگاه ابن ابی الحدید تأثیر داشته است. با همه اینها کتاب هم از حیث صورت‌بندی و هم از نظر نوع نگاه، نیازمند تأملاتی است.

سیدعلیرضا واسعی

اسناد موقوفات اصفهان؛ سرپرست علمی: سیدصادق حسینی اشکوری؛ زیر نظر: اداره کل اوقاف استان تهران، ۱۲ ج، چاپ اول، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۸.



وقف و سند

فرهنگ غنی وقف، فرهنگی است که در بسیاری از اقوام و ملل ریشه دوانیده و به اشکال مختلف در ادیان و مذاهب جلوه گر شده است. اسلام که با طلوع خویش، آموزه‌ها را عمق بخشیده و نداگر دینی جاودانه شده است، در جوانب مختلف فردی و اجتماعی نفوذ کرده، جامعه‌ای نوین را نوید بخشیده است. مسلمانان با الهام از کتاب مقدس قرآن، به عنوان بزرگ‌ترین و برترین کتاب آسمانی و رهنمودهای جاودانه پیامبر (ص) و حضرات اهل بیت معصومین (علیهم السلام) زندگی نوینی را تجربه کردند و بدین طریق آهسته آهسته جلوه‌های آموزه‌های دینی در سراسر زندگی مردم جلوه گر شد. اشاعه فرهنگ وقف، با نشر مجموعه اسناد موقوفات، دروازه‌ای است به یکی از این آموزه‌های دینی، یعنی مدرسه وقف. بدیهی است ورود به این مدرسه از طرف طالب مشتاق با مسافر گذرا فرق می‌کند. اگر مشتاقانه و با نگاهی درس آموز بدین مدرسه وارد شویم، چه جوهرها که می‌یابیم و چه گوهرها که اختیار می‌کنیم! معلمان این مدرسه همین کهنه اسنادی است که در طول قرن‌ها به زوایای امن پناه برده‌اند و اکنون توفیق رفیق گشته است تا آنها را از نزدیک مشاهده کنیم و از آنها بهره ببریم. اگر مروری گذرا بر کهنه اسناد موقوفات داشته باشیم، کلمات و خطبه‌های شروع وقف نامه‌ها که با عباراتی متنوع و مشحون از آیات و روایات است، خود درسی است مستقل و مکتبی است بی‌بدیل.

نحوه بخشش مال دنیوی، رهایی از آمال این جهانی و پیوستن به خیر آن جهانی، آنقدر زیبا و لطیف در این اسناد تصویر شده است

که به حق، انسان را به انجام حسنات و خیرات ترغیب می‌کند. در میان مصارف موقوفات، از مخارج روضه سیدالشهداء حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و کمک به زوار آن حضرت گرفته، تا ساختن مدرسه و مسجد و بیمارستان، همه درخور توجه است. تعمیر بنای امامزادگان، تأمین یخ برای عابران تشنه لب، ترویج مذهب جعفری، اعانت به سادات و مستحقان، ساختن پل و حمام، خواندن زیارت و قرآن، اعزام زوار به عتبات عالیات و ... هر کدام جلوه‌ای خاص در این اسناد دارند.

شروط مقرر برای متولیان و ناظران و دقت در مصارف وقف و نگهداری از عین موقوفه، لعن و نفرین بر تغییر دهندگان کاربردی وقف و نحوه ادامه سنت وقف، همه درخور مطالعه و بررسی است. واژه «وقف» واژه‌ای است دیرآشنا در ذهن مسلمانان جهان؛ و فرهنگ وقف، فرهنگی است که در میان شیعیان ایران زمین از دیرباز ریشه دوانده است؛ وقف، یعنی بودن در صحرای تملکات و اندیشه ثبت اخروی آنها؛ وقف یعنی توقف در دنیای پریهاو برای عبور از صحرای عرفات؛ وقف یعنی آخرین ایستگاه آمال نفسانی و سپردن هستی به مال آن جهانی.

فرهنگ وقف، فرهنگی است عجیب و شنیدنی؛ گلچینی است از ادبیات و ذوق و تدین که با مهرهای متنوع از واقف و شاهد و مجری - رقم خورده است تا سقاخانه‌ای به راه افتد، اشکی در ماتم سالار شهیدان ریخته شود، عبادتکده‌ای رونق بگیرد، در مانده‌ای دستگیری و بیچاره‌ای احوالجویی شود، بیمارستانی بنا و امامزاده‌ای تعمیر گردد، یتیمی دلنوازی یا سیدی از سادات اعانت گردد، دست نوشته‌ای کتابت یا کهنه کتابی مرمت شود؛ فرهنگی که دایره نفوذی آن، در هر کجای مراکز اسلامی، از قدیم و جدید پانهاد، آن را تحت تأثیر قرار داده است.

اگرچه تصرفات ظالمانه و دستان تجاوزگر عده‌ای سودجو، تعداد قابل توجهی از موقوفات را بر باد فناى تملک سوق داده، ولی سهم عمده‌ای از میراث به جا مانده از پادشاهان و شاهزادگان، متمولان و خیرین و افرادی که نه بضاعت چندان، بلکه دلی پاک و قلبی آرام داشته‌اند. مرهون موقوفاتی است که در گوشه و کنار، آثار خیر انجام آن مشهود است.

باتوجه به اینکه اسناد موقوفات، بخش مهمی از پیشینه تاریخی مذهبی و اجتماعی را دربر می‌گیرد، بررسی آنها جایگاه خاصی دارد. از طرفی عدم دسترسی به این اسناد، خطوط متنوع و درهم، امضاها و مهرهای ناخوانا، عبارات سنگین و پیچیده، ادبیات خاص، تنوع سبک، استفاده فراوان از عبارات و واژگان عربی،

مهرها، مطالب چاپ شده در سندهای دفاتر اوقاف و ... خوانده شده است تا مراجعه‌کننده مطمئن باشد هر آنچه بر سند بوده، در متن بازخوانی شده لحاظ گشته است.

ب) اضافه کردن کلیه مطالب ضروری بین «[]» موجب شده تا فرق بین مطالب مندرج در سند و مطالب افزوده واضح باشد. هر کلمه که در متن کاملاً ناخوانا بوده، یا متن افتادگی داشته است، به جای هر کلمه یک نقطه درون قلاب [.] گذاشته شده؛ بنابراین [. .] این است که در این قسمت دو کلمه ناخوانا بوده یا در متن افتادگی داشته است. در صورتی که افتادگی یا ناخوانایی بیش از حد معمول باشد، در متن [. .] گذاشته شده و توضیحات لازم در پانویس یادآوری شده است؛ همچنین واژگان ناخوانایی که در متن مهم بودند، با علامت سؤال (?) در جلوی واژه یادآوری شده‌ند. اگر یک عبارت (بیش از یک کلمه) نامفهوم باشد، از آغاز تا پایان عبارت درون پرانتز ذکر شده است و در پایان آن، علامت سوال درج شده است.

ج) تقدیم سجلات سربرگ‌های ثبتی بر سایر سجلات.
د) تفکیک بین متن سند و سجلات آن و جداسازی سجلات که بر فراز یا ذیل سند آمده یا در حاشیه راست و چپ آن واقع شده است.
ه) مشخص نمودن شکل مهرهای استفاده شده در اسناد و سجع (متن) آنها.

و) استخراج نشانی آیات و منابع روایات مندرج در متون اسناد و اشاره به اختلاف متن سند با روایات مورد استناد.
ز) شماره‌زنی و جداسازی رقبات مفصله در موقوفات و نیز مصارف آنها به دلیل اهمیت رقبات و مصارف و سهولت مراجعه به آنها.
ح) ایجاد فهرست و شناسنامه اجمالی برای هر سند، هنگام شروع هر سند و تهیه فهرست اجمالی در پایان هر جلد و فهرس فنی و متنوع در پایان مجموعه.
و ...

به هر حال، مجموعه حاضر که سال‌ها پشتکار و عشق و علاقه می‌طلبید و حاصل تعامل، تخصص و تجربه گروهی است، می‌تواند آغازگر یک سنت بسیار ارزشمند در نشر اسناد اسلاف ما باشد؛ اسناد که گویاترین تاریخ مستند و مستدل را در خود دارند؛ به طوری که با مراجعه به اسناد، می‌توان تاریخ یک شهر، منطقه و حتی کشور و سرزمینی را در برهه‌های زمانی خاصی به رشته تحریر درآورد. آری اسناد موقوفات اصفهان بزرگ‌ترین گام برداشته شده در این زمینه است.

یوسف بیگ باباپور

پوسیدگی و پارگی، اغلاط وقف‌نامه‌ها، خلط بین متن و سجلات در بعضی از موقوفات، استعمال اصطلاحات یا واژه‌های محلی و ... امروزه تفهیم و بازخوانی اسناد را برای ما مشکل ساخته است.

اسناد موقوفات اصفهان

در مجموعه‌ای که به تازگی برای اولین بار در ایران، به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه اسناد چاپ شده، به طبع رسیده است و به معرفی آن خواهیم پرداخت، تعداد هشتصد سند به طور کامل بازخوانی شده است که همگی وقف‌نامه می‌باشند. دوره زمانی این وقف‌نامه‌ها از زمان صفویه تا عصر حاضر را شامل می‌شود که البته بعضی از اسناد فاقد تاریخ‌اند و بعضی دو تاریخ دارند؛ یعنی مثلاً اصل موقوفه در یک تاریخ وقف شده و پس از یک قرن دوباره وقف گشته است؛ همچنین تاریخ بعضی از اسناد به علت پارگی و فرسودگی، قابل قرائت نیست.

فهارس فنی‌ای که در آخر مجلدات درج شده، از دیدگاه رجال‌شناسی و معرفت‌بلدان بسیار قابل تأمل است؛ علاوه بر آن، تنوع در چینش اسناد که در هر مجلد هم اسناد قدیم درج شده و هم اسناد جدید، خالی از لطف نیست.

علی‌رغم گروهی بودن کار بازخوانی اسناد، کار یک‌دست انجام شده است. هر آنچه در سند نوشته یا حک شده، خوانده شده است؛ حتی عبارات امضاها و سجع مهرها و مطالب چاپ شده در حواشی اسناد و ...

چارچوبی نیز برای تقسیم‌بندی مطالب اسناد رعایت شده است؛ مثلاً تفکیک متن سند از سجلات فراز و سمت راست و چپ و پایین سند، تعیین مصارف موقوفات، سجلات و ... هر آنچه افزوده بازخوانان است، داخل قلاب «[]» گذاشته شده تا علاوه بر حفظ امانت، دایره «اصل» و «افزوده» معلوم باشد.

اهمیت و سترگی کار وقتی محسوس می‌شود که در مقدمه اثر تورقی کنیم، از زبان سرپرست علمی بشنویم که می‌نویسد: «با اینکه پیکره اصلی کار، پایان‌شده تلقی می‌گردید، کار اصلی از اینجا شروع شد. مطالبی که در متن صحیح خوانده نشده بود، بازخوان‌ها در خواندن آنها دچار مشکل شده بودند، باید دقت مضاعفی در حل معمای آنها می‌شد. گاهی چند نفری بر روی یک لفظ یا عبارت در سندی کلنجار می‌رفتیم و آن‌گاه که با همفکری حل می‌شد، لبخند رضایت و رفع خستگی بر چهره همه مشهود می‌گردید».

از امتیازات باارزش این کار سترگ دوازده جلدی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تمامی مطالب و سجلات سند، حتی سجع (متن)